

# حوادث۱۹

تلنگر

## مرگ تلخ دختر ۲ ساله در آتش چادر عشایری



آتش گرفتن یک چادر عشایری در منطقه سردشت شهرستان رستم، جان یک دختر بچه دوساله را گرفت، فقط چند ساعت از مرگ نگار کوچولو، تک‌فرزند خانواده پیشرو می‌گذرد و همگی عزادار هستند. پدر و مادر نگار به خواب هم نمی‌دیدند آتشی که ظهر روز جمعه، ۱۲ اردیبهشت در منطقه پلاک ۱۴۲ سر دشتک جاشیردون پشتکوه رستم استان فارس به‌پا شد، مقدمه مرگ درنکات فرزند آنان شود. از ظهر جمعه که آتش شروع به گرگرفتن کرد و اطرافش را سوزاند، بسیاری از عشایر، محلی‌ها و مسوولان را به آن سمت کشاندند تا آتش را مهار کنند اما بادی که از سمت کوه‌های زاگرس می‌وزید، تمام تلاش‌های آنان را نقش برآب می‌کرد و اجازه نمی‌داد آتش خاموش شود. پدر و مادر نگار هم جزو عشایر بودند و چادر نشین. جایی‌که در آتش می‌سوخت، تنها پنج کیلومتر با چادر آنان فاصله داشت. پدر نگار به عادت عشایری و طبیعت دوستی‌اش به کمک افرادی رفت که تلاش می‌کردند آتش را خاموش کنند. نگار به آرامی در چادر عشایری خوابیده بود و برای همین مادر نمی‌توانست او را ترک کند و از نقطه‌ای دور دست به تلاش همسرش و دیگران برای خاموش کردن آتش نگاه می‌کرد. درحالی‌که مردان با تمام قوا تلاش می‌کردند مانع گسترش آتش بزرگ به اطراف شوند، آتشی بسیار کوچکی هم در اجاق سنگی که سه متر با چادر عشایری پدر و مادر نگار فاصله داشت، روشن بود. نگار همچنان خواب بوده که ناگهان بادتندی وزید و تکه‌ای از آتش اجاق را روی چادر برزنتی که نگار درون آن خوابیده بود، پرتاب کرد. در یک آن، چادر گرگرفت، باد هم به کمک آتش آمد و ناگهان چادر به تلی از آتش گداخته تبدیل شد. نورا... محمد، پسر خاله پدر نگار درباره این حادثه به خبرنگار جام‌جم می‌گوید: «در لحظاتی که آتش روی چادر افتاده بود، مادر بزرگ نگار هم کمی دورتر از چادر مراقب گوسفندان بود که مشغول چرا بودند. نگار که از خواب بیدار شده بود، به شدت گریه می‌کرد و مادرش را می‌خواست. مادر بزرگ که صدای گریه نگار را شنیده بود، سعی کرد به ما کمک‌کند اما شدت آتش به حدی بود که نتوانست کاری برای نوه کوچکش انجام دهد و متأسفانه نگار زنده‌زنده در آتش سوخت و جانش را از دست داد.» این در حالی است که فرمانده انتظامی شهرستان رستم ، سرایت آتش مراتع به چادر عشایری را علت مرگ دختر بچه اعلام کرد. روحا، انصاری، فعال منابع طبیعی هم درباره حادثه آتش‌سوزی به ما می‌گوید: «از دیروز عصر آتش‌سوزی شروع شده و علت آن را نمی‌دانیم. هنوز مشخص نیست این آتش به دلیل سهل‌انگاری رخ داده یا برخی از روی قصد و غرض اقدام به روشن کردن آتش کرده‌اند. پس از حادثه، افراد زیادی برای خاموش کردن آتش راهی محل شده‌اند و قرار بود از تهران بالگردی به محل آتش‌سوزی اعزام شود.»



ما خواست به سمت محلی که او حضور دارد، برویم. وقتی به آنجا رسیدیم رئیس اداره برق گلباف در کنار جاده در حال گریه و زاری بود که پس از دیدن ما گفت تکه‌های خودروی بالا بر اداره برق را در مسیر رودخانه دیده‌اند اما خبری از بچه‌های اتفاقات نیست، به همین علت ما همراه دیگر نیروهای امدادی در طول مسیر این رودخانه به جست‌وجو پرداختیم و پس از گذشت یک ساعت و نیم توانستیم اجساد آنها را که به طرز وحشتناک و مظلومانه‌ای به شهادت رسیده بودند، پیدا کنیم. مادرم دارای نومور مغزی و سگفته کرده است، او در یکی از اتاق‌های خانه‌مان بستری است و به دلیل بیماری‌اش هنوز نتوانسته‌ایم خبر از دست دادن مسلم را به امین او بدهیم. مسلم هر روز به دیدن پدر و مادرم می‌آمد و جویای احوال آنها بود، به همین علت طی چند روز گذشته مادرم دائم جویای احوال مسلم است و می‌گوید چرا به دیدن او نمی‌رود.

### در انتظار تحقق وعده‌ها

وی از نگرانی خانواده‌های بازمانده سیمانیان فداکاری می‌گوید. از این‌که از مسوولان توقع دارند آنها را فراموش نکرده و به وضعیت این خانواده‌ها رسیدگی کنند تا حق پدر و مادر، همسر و فرزندان به‌جای مانده از آنها تصبیع نشود. علی‌توسلی، یکی دیگر از سیمانیان شهید راه خدمت است که همسرش، نسرین برزگر در گفت‌وگو با ما از خصوصیات این جوان ۳۴ ساله می‌گوید که برای او همسری مهربان و همیشه خندان و در محل کارش انسانی وظیفه‌شناس بود. وی که به خاطر شیون و زاری، صدایش به سختی بالا می‌آید با اشاره به یادگار ماندن یک دختر هفت‌ساله و یک پسر سه‌ساله از ازدواجش با علی افزود: همسرم گلی بود که پرپر شد و من از مسوولان تقاضا دارم فرزندان به‌جای مانده از این عزیزان از دست‌رفته را فراموش نکنند.

تلاش برای انجام کار به بهترین نحو چیزی از او ندیده بودند. من به‌دلیل انجام عمل قلب در بیمارستانی در شهر یزد بستری بودم که از وقوع این حادثه مطلع شدم، شنیدن این خبر برایم بسیار سخت بود، اما راضی هستم به مشیت الهی.

### روایت لحظات سخت جست‌وجو

مسلم دهقان، یکی دیگر از سیمانیان است که در حادثه سیل گلباف کرمان در راه خدمت به مردم جان خود را فدا کرد. او به مدت هشت سال در شیفت اتفاقات برق شهر گلباف مشغول به کار بود. وی اهل گلباف و متأهل بود و دارای یک دختر سه‌ساله به‌نام آوا و پسر دوساله به‌نام امین است که الان چند روز است دیگر چهره خندان بابایشان را که هر روز پس از آمدن از سرکار آنها را در آغوش می‌گرفت و می‌بوسید، ندیده‌اند. همسر مسلم دهقان این روزها شرایط روحی خوبی ندارد و به همین دلیل امیر دهقان، برادر مسلم در گفت‌وگو با جام‌جم از نحوه اطلاع از وقوع این حادثه می‌گوید: صبح روز وقوع حادثه مسلم را دیدم، کمی باهم صحبت کردیم. عصر آن روز هر چه با او تماس گرفتم گوشی همراهش را جواب نمی‌داد تا این‌که شب همراه رئیس اداره برق گلباف به محل انجام مأموریت آنها رفتم تا مسلم و دیگر همکارانش را پیدا کنیم اما چون سیلاب راه افتاده بود، نتوانستیم پیش روی کنیم. ناچار توقف کردیم و ساعت ۲ باامداد رئیس اداره برق گلباف با موتور یکی از نیروهای سپاه برای یافتن آنها به سمت محل وقوع حادثه رفت و قرار شد به ما خبر دهد.

ما تا ساعت ۵ صبح در همان محل منتظر ماندیم اما چون خبری نشد به سمت گلباف حرکت کردیم که در همین هنگام رئیس اداره برق که خود را به نقطه‌ای که موبایل آنتن می‌دهد، رسانده بود تماس گرفت و از



شش کارمند اداره برق

هماهنگی توزیع شرکت توانیر در مراسم تدفین این سیمیان‌ها از پیگیری وزیر نیرو برای نائل شدن سیمانیان جان‌باخته به درجه شهید راه خدمت خبر داد.

### ارادت محسن توکلی به امام علی

محسن توکلی، جوانی ۵۵ ساله اهل روستای جور از توابع شهرستان کوهنجان، دارای مدرک کارشناسی ارشد بود که از حدود سه سال پیش در اتفاقات برق شهر گلباف مشغول به خدمت شد تا این‌که سرانجام در همین راه جان خود را از دست داد. محسن، ارادت خاصی به ائمه اطهار به‌خصوص امام علی (ع) داشت و سرانجام در شب شهادت امیرالمؤمنین در راه خدمت به مردم همراه پنج نفر از همکارانش در اتفاقات برق گلباف گرفتار سیلاب شد و جان خود را از دست دادند. محمدجواد توکلی، پدر محسن توکلی می‌گوید: محسن در کارش احساس مسؤولیت داشت که به گفته رئیس سابقش آنها هیچ‌گاه غیر از خوبی و

استقرار کارکنان اداره برق گلباف در مسیر سیلاب، آنها گرفتار طغیان رودخانه می‌شوند و در راه خدمت به مردم در شب شهادت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام جان خود را از دست داده و آسمانی می‌شوند.

پس از وقوع این حادثه و به‌دلیل مسدود بودن مسیر عملیات، تجسس برای یافتن آنها به سختی ادامه می‌یابد تا این‌که سرانجام پس از ساعت‌ها جست‌وجو با اعزام بالگرد هلال‌احمر به منطقه و همکاری نیروهای هلال‌احمر، بسیج، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و تیم‌های امدادی موتورسیکلت روز بعد پیکری بی‌جان سیمیان‌ها به همراه قطعات خودروی آنها در بستر رودخانه پیدا می‌شود.

### وعده‌های مسوولان

چند روز قبل معاون رئیس‌جمهور همراه تعداد دیگری از مسوولان کشوری و استانی با ارسال پیام‌های تسلیت با خانواده بازماندگان این امرضد کردند و حتی معاون

## ورود دادستان گرگان به موضوع ضرب و شتم مسافران توسط اراذل

دادستان عمومی و انقلاب مرکز گیلستان پس از انتشار ویدئویی مبنی بر ضرب و شتم تعدادی مسافر در یکی از روستاهای گرگان، دستور پیگیری فوری صادر کرد.

به گزارش جام‌جم، حجت‌الاسلام سیدرضا سیدحسینی گفت: در پی انتشار



محل حادثه

## جزئیاتی از فوت کارکنان اداره برق گلباف کرمان بر اثر سیل اخیر

# آخرین مأموریت ۶ سیم‌بان فداکار

باگذشت چند روز از وقوع سیلاب در منطقه گلباف کرمان و جان باختن شش نفر از کارکنان اداره برق شهر گلباف در راه خدمت‌رسانی برای وصل برق روستاهای آسیب‌دیده، خانواده‌های بازمانده سیم‌بانان، نیازمند حمایت و تحقق وعده‌های داده‌شده توسط مسوولان هستند. شش سیم‌بان فداکار، هنگام وصل کردن برق یک روستا گرفتار سیلاب شدند.

حکمت قاسم‌خانی

جام‌جم کرمان

صبح روز دوشنبه سیزدهم اردیبهشت، قطرات باران با شدت فراوان از آسمان می‌بارد و بر بستر خاک می‌نشیند، شدت باران به حدی است که در مدت‌زمان کوتاهی به سیلابی تبدیل می‌شود که از دامنه کوه‌های اطراف روستای هرمک جاری و به سمت پایین دست سرازیر می‌شود و هر چه را در طول مسیر خود می‌بیند با خود می‌برد.

در مدت‌زمان کوتاهی سیلاب گل‌ولای، آسفالت جاده را در طول مسیرش شسته و به ۲۰ کیلومتر از شبکه فشار متوسط برق آسیب جدی وارد می‌کند. شبکه‌ای که برق روستای هرمک را تأمین می‌کرد و اکنون با آسیب دیدن آن، برق روستا قطع شده بود. چند کیلومتر آن‌سوتر در شهر گلباف

عقربه‌ها ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه عصر را نشانه رفته‌اند که محسن توکلی، مسوول اتفاقات و بهره‌برداری اداره برق گلباف همراه پنج نفر از همکاران وظیفه‌شناس، سختکوش و روزهدارش به نام‌های مصطفی ابراهیمی، مسلم دهقان، علیرضا جعفری، علی توسلی و محمد میرزا حسینی برای رفع نقص و اصلاح شبکه برق عازم منطقه می‌شوند. باوجود بارندگی‌های شدید چند ساعت قبل، هنگام رسیدن آنها به منطقه هوا مساعد است و آنها مشغول کار می‌شوند که ناگهان بارش شدید تگرگ و سپس باران در ارتفاعات بالادست سه‌راهی نیبید به سمت گلباف آغاز می‌شود و حجم سیلاب جاری در منطقه را افزایش می‌دهد و به‌دلیل محل

## محاكمه غیابی قاتل همسر و فرزند

مرد جوان که پس از قتل همسر دوم و نوزادش از کشور فرار کرده بود، به صورت غیابی محاکمه می‌شود. به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از دو سال قبل و در تماس اهالی ساختمانی با پلیس آغاز شد. آنها مدعی شدند زوج جوانی همراه فرزندشان در یکی از آپارتمان‌های ساختمان زندگی می‌کنند، اما از چند روز قبل خبری از آنها نیست. این در حالی است که کسی خروج آنها را از ساختمان ندیده است.

در ادامه تیم پزشکی در محل حاضر شده و با ورود به خانه با جسد زن جوان و نوزادش روبه‌رو شدند. خانواده زن جوان در تحقیقات گفتند: «دو سال قبل سعید به خواستگاری دخترمان آمد و به ما گفت کسی را ندارد و اعضای خانواده‌اش مرده‌اند. به خاطر اصرار دخترمان با ازدواج آنها موافقت کردیم. ما از مشکلات آنها خبر نداشتیم، فقط می‌دانستیم که دامادمان بیکار و بی‌پول است.»

تحقیقات برای دستگیری سعید آغاز شد، اما بررسی‌ها نشان داد، او هم‌زمان با این جنایت به صورت غیرقانونی از مرز ترمچین از کشور خارج شده است. این درحالی بود که خانواده‌اش در غرب کشور شناسایی شدند.

ماموران سراغ آنها رفتند، اما مشخص شد پدر سعید او را طرد کرده و از سرنوشتش بی‌خبر هستند. پسرعموی سعید به ماموران گفت: «سعید پیش از این عاشق یکی از همکلاسی‌هایش شد و با او ازدواج کرد. بعد از مدتی با او به مشکل خورد و از هم جدا شدند. یک بچه حاصل این ازدواج بود که نزد مادرش ماند. سعید سپس به تهران رفت و بعد از مدتی همراه زنی به مقابل خانه‌ام آمد و گفت همسر جدیدش است. به خاطر این‌که مهمان بود، او را به خانه راه دادم و فردایش خواستم از خانه‌ام بروم. اگر پدرش متوجه می‌شد او را به خانه راه داده‌ام، از من دلخور می‌شد. دیگر از او خبر نداشتم تا این‌که فهمیدم همسر و فرزندش را کشته است.»

با تکمیل تحقیقات و گزارش پزشکی قانونی درباره اصابت ضربه‌های سخت به سر مادر و فرزند و تحقیق از همسایه‌ها و خانواده سعید، ارتکاب قتل از سوی سعید قطعی شد و نام او برای دستگیری در اختیار پلیس اینترپل قرار گرفت.

پس از دو سال از این جنایت، با درخواست اولیای دم برای قصاص سعید، پرونده برای محاکمه غیابی متهم به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

## اعتراف پسر به قتل پدر روانپزشک



مرد جوان که با شلیک گلوله پدر روانپزشک خود را به قتل رسانده بود، بعد از ۲۱ ماه فرار بازداشت شد. او زمان دستگیری به زور و تهدید سوار خودروی پرابندی شد و قصد گروگانگیری داشت که ناکام ماند. به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۱ صبح اولین روز شهریور سال ۹۸ مرد میان‌سالی که روانپزشک بود در خانه‌اش در محله قلهک تهران هدف شلیک گلوله از ناحیه قفسه سینه قرار گرفت و زخمی شد. همسایه‌ها او را به بیمارستان رساندند که ساعاتی بعد فوت شد. تحقیق از همسایه‌ها نشان می‌داد آنها مرد همسایه را در خانه‌اش زخمی یافته‌اند و پسر کوچک مقتول مدعی بود برادرش مرتکب قتل شده است.

ماموران در بازرسی از خانه مقتول پی بردند که او در اتاق کارش کلکسیون‌ای از سلاح‌های گرم داشته که با یکی از کلت‌ها به قتل رسیده است. بیست و یک ماه از فرار جوان پدرکش گذشته بود تا این‌که روزهای پایانی هفته گذشته ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران مطلع شدند، او به خانه پدری‌اش در رفت و آمد است. برای دستگیری او اعزام شدند اما متهم با مشاهده آنها پنجره را شکست و فرار کرد و با پریدن از روی دیوار به سمت خیابان رفت و

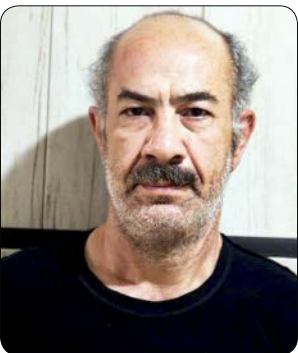
سواربیک موتوری شد. تعقیب و گریز ادامه داشت تا این‌که متهم پس از پیاده شدن از موتور با زور و تهدید سوار خودروی پرابندی شد و زنی را به گروگان گرفت که پلیس وی را ناکام گذاشت و با راهی‌ی گروگان، متهم بازداشت شد. او به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد و به قتل پدرش اعتراف کرد و گفت: با پدرم اختلاف مالی داشتم و روز قتل با هم درگیر شدیم. درواچ عصبانیت کلت پدرم را از میز کارش برداشته و موقع خروجش از اتاق به او شلیک کردم که زخمی شد . بعد ۲۵۰ دلار از او برداشتم و فرار کردم. با رفتن به بیمارستان مدعی شدم که پدرم برای گذاشتن زیاله به خیابان رفته که افراد مسلح او را زخمی کرده‌اند.

وقتی فهمیدم پدرم مرده از ترسم فرار کردم. با دلارهای سرقتی غذا و لباس برای خودم گرفتم. سه ماه گورخوابی کردم و چند ماه خانه باغ یکی از اقوام در شهریار رفتم. سرانجام به خانه پدری برگشتم که ماموران متوجه شدند و دستگیر شدم.

حبیب... صادقی، بازپرس شعبه چهارم دادرسی جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

## پیگیری

## طعمه‌های مرد متجاوز به پلیس مراجعه کنند



پلیس برای شناسایی طعمه‌های مرد شیطان‌صفت که با ربودن زنان، آنها را در جاده بهشت‌زهرامورد تجاوز قرار می‌داد، عکس متهم را منتشر کرد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، متهم با یک دستگاه زانتیا در خیابان‌های تهران پرسه می‌زد و بعد از سوار کردن زنان جوان، با تهدید آنها را به سمت جاده بهشت‌زهرامی‌برد و در آنجا مورد آزار و اذیت و تجاوز قرار می‌داد. مرد میانسال بعد از آزار زنان، آنها را در نزدیکی خانه‌شان پیاده می‌کرد. یکی از قربانیان مرد میانسال به ماموران گفت: زمانی که راننده زانتیا قصد اجرای نقشه‌اش را داشت، مقاومت کردم و او با ضربه‌ای به سرم مرا بیهوش کرده و نقشه‌اش را اجرا کرد. ضربه‌ای که او به سرم زد، باعث شد مجسمه‌ام ترک بردارد و پرده گوشم پاره شود.

قربانیان را بسته و نقشه‌اش را اجرا کرده بود. با توجه به احتمال آزار زنان دیگر توسط این متهم، بازپرس شعبه ششم دادرسی امور جنایی پایتخت، دستور چاپ تصویر بدون پوشش او را صادر کرد تا در صورت شناسایی از سوی شکایت احتمالی، آنها برای شکایت به شعبه ششم دادرسی امور جنایی تهران یا اداره شان‌زدهم پلیس آگاهی مراجعه کرده یا با شماره تلفن ۵۱۰۵۵۵۱۶ پلیس آگاهی تماس بگیرند.

## آن‌سوی مرز

## ۱۰ کشته در توفان چین

وقوع چند مورد توفان در مناطقی از چین حدود ۱۰ کشته و صدها مصدوم برجا گذاشت. به گزارش ایسنا، مقامات و رسانه‌های محلی در چین شنبه در گزارشی اعلام کردند: وقوع چند مورد توفان در مرکز و شرق این کشور به کشته‌شدن حدود ۱۰ نفر و مصدومیت بیش از ۳۰۰ نفر منجر شد. شش نفر در شهر ووهان و چهار نفر دیگر در منطقه‌ای در شهر سوچو جان خود را از دست دادند. همچنین با وقوع توفان به تعدادی واحد مسکونی و تأسیسات برق خسارت وارد آمد و موجب قطعی برق شد. گزارش‌ها حاکی از آن است که در شهر ووهان ۲۷ خانه تخریب شده و ۱۳۰ خانه دیگر نیز خسارت دیده‌اند. تصاویر منتشرشده از محل حادثه نشان می‌دهد که تعداد زیادی از نیروهای امداد در حال جست‌وجو در میان آوارهای ساختمانی در شهر ووهان هستند.

۱۲۵

## سقوط مرگبار پژو از روی پل



## آتش‌سوزی در بیمارستان بقیه...

سختگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در ادامه درباره حریق در بخش اداری بیمارستان بقیه... اظهار کرد: ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه شنبه یک مورد آتش‌سوزی در بیمارستان بقیه... واقع در خیابان ملاصدرا، قبل از خیابان شیخ بهایی به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد که بلافاصله پس از آن چهار ایستگاه آتش‌نشانی به همراه خودروهای پشتیبانی از جمله نردبان هیدرولیکی و خودروی حامل تجهیزات تنفسی به محل اعزام شدند. حریق در طبقه نهم این ساختمان ۱۱ طبقه و در بخش اداری بیمارستان رخ داد که یک اتاق به وسعت ۲۰ متر د چار حریق شده بود. آتش‌سوزی این اتاق با سرعت اطفاء شد و تخلیه دود نیز صورت گرفت. کمی آن طرف‌تر از این قسمت، بخش بستری بیماران عفونی و ریوی و بیماران مبتلا به کرونا واقع شده بود که سرایت دود به آن محدوده می‌توانست نگران‌کننده باشد.

